

عروج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران

تشکیل سپاه

ایده اصلی تشکیل سپاه ابتدا از طرف نهضت آزادی و زمانی که خمینی در پاریس بود مطرح شد و الگوی مبارزان جنبش آزادیبخش الجزایر و چریک های کوبا در نظرشان بود. خمینی هم شورای انقلاب آن زمان را مامور تشکیل سپاهی برای مقابله با ضد انقلاب کرد. پس از تصویب خمینی اولین داوطلبان هم پس از ثبت نام برای آموزش به سوریه و لبنان اعزام شدند. (سازگارا، سپاه و سه انحراف " اول مرداد هشتادوپنج یکشنبه ۱ مردادماه ۱۳۸۵ - و ویکی پیدیای فارسی) نام سپاه هم پیش نهاد مهندس توسلی، شهردار تهران در زمان بازرگان، بود. (ویکی پیدیای فارسی)

شورای انقلاب وظایف سپاه را در ۸ ماده زیر تدوین کرد:

- 1- کمک به پلیس و نیروهای امنیتی برای مقابله با عناصر ضدانقلاب
- 2- مبارزه با ضدانقلابیون مسلح
- 3- دفاع در برابر حملات و فعالیت های نیروهای خارجی در داخل کشور
- 4- هماهنگی و همکاری با نیروهای مسلح کشور
- 5- آموزش پرسنل تابع سپاه در مسائل اخلاقی، ایدئولوژیک و سیاسی-نظامی
- 6- کمک به جمهوری اسلامی در تحقق انقلاب اسلامی
- 7- حمایت از جنبش های آزادیبخش و خواست شان برای عدالت برای مستضعفان جهان تحت هدایت رهبر انقلاب جمهوری اسلامی
- 8- استفاده از نیروهای انسانی متخصص سپاه در برخورد با بلایای ملی و فجایع غیرمنتظره و حمایت از برنامه های توسعه جمهوری اسلامی برای پیشینه کردن منابع سپاه

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی حدودا ۱۲۵۰۰۰ نفر پرسنل دارد و خود به ۵ زیر مجموعه تقسیم می شود.

- نیروی زمینی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی
- نیروی هوایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی
- نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی
- نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی
- نیروی قدس پاسداران انقلاب اسلامی

سپاه در تمام شهرهای عمده پایگاه هایی دارد. افراد این پایگاه ها در گروه های واکنش سریع سازمان دهی شده اند و به عنوان نیروی ذخیره در برابر ناآرامی ها هستند.

علاوه بر شهرها، سپاه در مناطق روستایی و غیرشهری هم فعال است و با دیگر نیروهای امنیتی در ماموریت هایی برای کنترل مرزها، انجام پاتک، و "کمک رسانی" در مواقع بروز فاجعه های طبیعی همکاری می کند.

سپاه بر امکانات جنگی نامتقارن تسلط دارد و کنترل دقیقی بر توسعه و به کارگیری موشک های بالستیک اعمال می کند.

سپاه یک شبکه برون مرزی تروریستی را از طریق نیروی قدس هدایت می کند. اگر ایران به سلاح هسته ای دست پیدا کند، مطمئن نظارت بر نگهداری آن، آموزش پرسنل، و ساخت زیرساخت های به کارگیری آن بر عهده سپاه خواهد بود. دو نهاد امنیتی دیگر رقیب سپاه یکی وزارت اطلاعات است که ظاهرا حدود 30.000 نفر پرسنل دارد و دیگری نیروی انتظامی با حدود 120.000 نفر پرسنل است.

وظایف سپاه:

رحیم صفوی زمانی که فرمانده سپاه بود در مصاحبه ای با بیان این که تغییر در استراتژی سپاه ضروری است اعلام کرد که:

سپاه سه وظیفه اصلی و دو وظیفه جانبی دارد. وظایف اصلی سپاه شامل مسائل دفاعی، امنیتی و فرهنگی است و وظایف حاشیه ای آن به ساختن کشور و انجام عملیات کمک رسانی در مواقع بلایای طبیعی بر می گردد. ایرنا، 17 آگوست 2007

او سپس می افزاید که اگرچه سپاه قصد ندارد در فعالیت های فرهنگی دیگر سازمان های دولتی دخالت کند، اما بنابر طبیعت سپاه، که با باورهای اسلامی و فعالیت نظامی عجین شده است، هدف سپاه ارتقای باورهای ایدئولوژیک و اسلامی است، و این را در حوزه "دفاع فرهنگی" جای می دهد.

در واقع پس از پایان جنگ و از میان رفتن شرایط جنگی در منطقه، پایان سرکوبی خشن و گسترده جریانات سیاسی مخالف و به مسلخ بردن بقایای آن ها در جریان اعدام های گروهی سال 67، حذف منتظری و تتمه جریانات مشابه او در حاکمیت و یا به انزوا کشاندن آن ها (جریان موسوی خوئینی ها و روحانیون مبارز)، ناتوانی ایران در ادامه اقتصاد جنگی و کلن در پیش گرفته شدن تدریجی روند عادی سازی در کل کشور و در تمام سطوح، دیگر به حضور پررنگ سپاه و بسیج در عرصه سیاسی جامعه نیازی نبود. بسیج زدایی از اینجا آغاز شد و شعار معروف "بسیجی خوب، بسیجی مرده است" در این دوران که مقارن با آغاز ریاست جمهوری رفسنجانی و دوران سازندگی بود شکل گرفت.

رفسنجانی حتی در این دوران به بهانه برخوردار کردن سپاهیان از امتیازات ارتشی ها، تلاش کرد طرح ادغام سپاه و ارتش را به پیش ببرد، اما با مخالفت خامنه ای و فرماندهان سپاه مواجه شد و عقب نشینی کرد. با این حال تا حد زیادی موفق شد دست سپاه و بسیج را از ادارات و سازمان های دولتی کوتاه کند، که طبعاً با نارضایتی شدید سپاه و بسیج همراه بود. رزمندگان سابق اکنون باید سلاح های خود را غلاف می کردند و به پادگان ها بازمی گشتند.

بدین ترتیب سپاه و بسیج و اصولن تفکر بسیجی، همراه با بازماندگان آنان از نظر سیاسی به حاشیه رانده شده و اصولن به شدت تحقیر شدند (فیلم های سلطان اثر مسعود کیمیایی و آژانس شیشه ای اثر ابراهیم حاتمی کیا به خوبی این فضا را نمایش می دهند)، هر چند خواهیم دید که پایه های دخالت سپاه در امور اقتصادی در همان زمان ریخته شد. در واقع سپاه یا باید کاملن به انزوا می رفت و مانند یک ارتش کلاسیک به ابزاری در دست سیاست مداران برای سرکوب بدل می شد و یا باید در برابر این شرایط مقاومت می کرد و "در صحنه" باقی می ماند. سپاه رویکرد دوم را برگزید. سیاست رفسنجانی در اجازه به ارگان های دولتی که از بودجه کشور تغذیه می کردند برای ورود به عرصه های اقتصادی و تلاش برای تامین بخشی از هزینه های شان و بدین ترتیب کاهش بار مالی بر دولت، فرصت خوبی برای سپاه بود. با ورود به عرصه های دیگر (اقتصادی و فرهنگی)، علاوه بر بخش نظامی، حضور خود را تقویت کند. اما قبل از ورود به این بحث بد نیست نگاهی به جایگاه سپاه در سازماندهی نظامی-امنیتی کشور بیندازیم. سپاه در شورای امنیت ملی حضور قوی دارد.

اعضای شورای عالی امنیت ملی: رئیس جمهور به عنوان رئیس شورا، وزیر دفاع، وزیر خارجه، فرمانده سپاه، نمایندگان رهبری

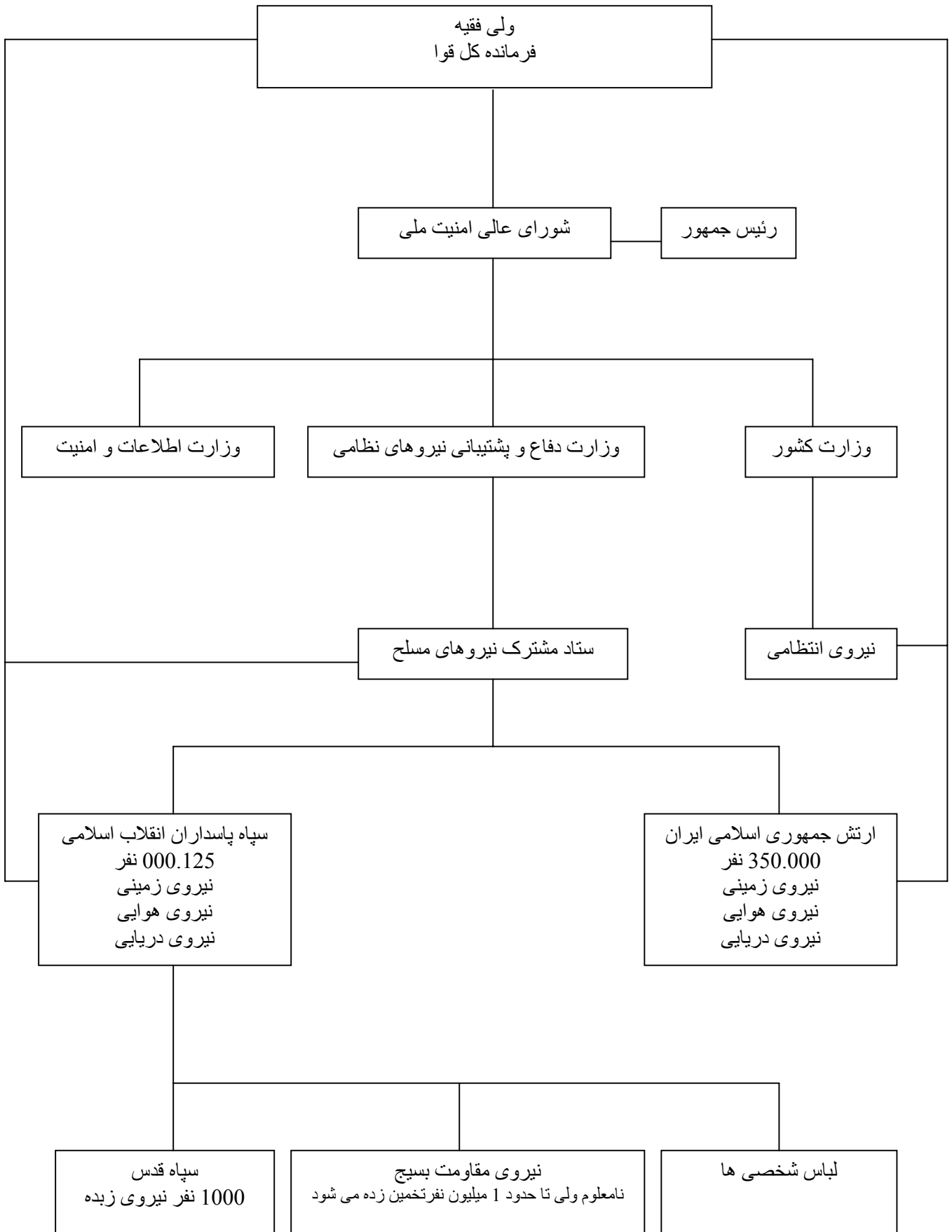
ورود دوباره سپاه به صحنه های سیاسی و اقتصادی:

فعالیت اقتصادی سپاه این پتانسیل را دارد که حلقه حمایت به اصطلاح توده ای اش را گسترده کند. این کار با جذب نخبگان مالی موجود در تاسیس شرکت های تابع و یا عقد قراردادهای جانبی صورت می گیرد.

در عین حال سپاه با جذب پایین ترین اقشار جامعه در بسیج که گاهن با آموزش شغلی فنی، بورس یا سهمیه تحصیلی و منافع مالی دیگر همراه می گردد، سعی در گسترش پایه توده ای خود دارد.

البته زمینه این پوپولیسم اقتصادی، کنترل سپاه بر اقتصاد سایه در ایران است: شبکه قاچاق، مصادره، کسب قراردادهای دولتی بدون تشریفات قانونی مناقصه، و انباشت ثروت در دست معدودی از فرماندهان رده بالای سپاه که پدیده پولشویی را که طی سالیان گذشته تاثیر شدیدی بر اقتصاد ایران به ویژه در بخش مسکن و زمین داشت، باعث شد.

جایگاه سپاه در سازماندهی امنیتی کشور:



این وضعیت ناگزیر به معنی جایگزینی نخبگان سنتی در اقتصاد و انحصاری کردن آن است، که طبعاً به نارضایتی آنان می انجامد. شاید مهم ترین دلیل اختلاف کنونی بین سپاه و جناح رفسنجانی نیز همین باشد. سپاه با دزد و رشوه ده / گیر و رانت خوار معرفی کردن رفسنجانی و فرزندانش و تنی چند دیگر از زعمای قوم، تلاش دارد آنان را از بخش های اصلی سودآور در اقتصاد ایران مانند نفت و گاز، فعالیت های زیربنایی مانند ساخت مترو و سد جاده و البته واردات و صادرات و ... کنار بگذارد. این کاری است که سپاه تلاش کرده در این چند ساله به خصوص در دوران احمدی نژاد آن را به پیش برد و اکنون نوبت حذف سیاسی آن ها رسیده است که حذف اقتصادی را تکمیل کند.

پیشینه فعالیت های اقتصادی سپاه به آغاز جنگ ایران و عراق بازمی گردد. تا آن موقع سپاه فاقد سیستم عادی سلسله مراتبی متداول در ارتش های منظم بود و بیشتر تشکیلاتی افقی به حساب می آمد. روابط درون سپاه هم بیشتر به اصطلاح هیاتی بود تا هیرارشی. سازگارا در این مورد چنین می گوید:

"باتشکیل یک سازمان نظامی مردمی، می توان سلاح های در دست مردم را شناسایی و سازمان یافته کرد و مردم به هیجان آمده برای مبارزه انقلابی را در یک ارتش مردمی به صورت دسته های چریکی سازماندهی نمود. به این ترتیب کشور صاحب یک ارتش بیست میلیونی برای دفاع در مقابل هر تهاجم خارجی می شد.

مدل هایی چون ویت کنگ هادرویتنام یا ارتش سوئیس و یا گارد ملی آمریکامورد مطالعه قرار گرفته بود در سازماندهی این ارتش مردمی مدنظر بود. این کار خطر هر کودتای نظامی را هم مرتفع می کرد چون اولاً کشور دارای دنیروی نظامی می شد که به این سادگی یکی از آنها نمی توانست دست به کودتا بزند و ثانیاً وقتی عامه مردم آموزش نظامی دیده و آماده جنگیدن باشند هیچ فرمانده نظامی دست به کودتا نخواهد زد." (سازگارا-همان منبع)

با آغاز جنگ و به تالیید خمینی سیستم سلسله مراتبی در سپاه برقرار گردید. این کار مقدمه به وجود آمدن امتیازات خاص برای گروه های خاص شد. برای کسانی که در رده های بالاتر سپاه قرار داشتند و با راس هرم قدرت نزدیک تر بودند. در زمان ریاست جمهوری رفسنجانی، او که یک مغز اقتصادی بود و روش سرمایه اندوزی را می دانست، تزی را مطرح کرد که بر اساس آن سازمان های وابسته به بودجه دولت می توانستند مستقیم وارد فعالیت های اقتصادی شوند بدون این که درآمد آن را به خزانه واریز نمایند. به تعبیر او با این کار سازمان های وابسته به دولت، به یک استقلال مالی دست می یافتند و می توانستند تمام یا دست کم بخشی از بودجه خود را تامین کنند. در نتیجه هم فشار مالی بر دولت برای تامین بودجه این بخش ها کمتر می شد و هم آن ها می توانستند از قبل سودهای به دست آمده مزایای بهتری برای کارکنانشان تامین کنند.

این فرصتی بود برای امتیازداران سپاه که بر درجات خود بیافزایند. سپاه ابتدا کنترل چند کارخانه مصادره شده را به دست گرفت و دو معاونت خودکفایی و بازسازی را ایجاد کرد. این دو نهاد چندین شرکت فعال در زمینه های کشاورزی، صنعت، معدن، حمل و نقل، جاده سازی، واردات و صادرات را بنا نهادند. (بهر روز خلیق، اخبار روز، 4 جولای 2006)

سازگارا هم در این مورد می گوید:

"اکنون سپاه بابیش از 100 شرکت به شکل شرکت های تعاونی و پیمانکاری و بازرگانی و صنعتی، وابسته به سپاه و یابسیج در اکثر کارهای اقتصادی کشور حضور دارد، از ورود لوازم خانگی در تمام سالهایی که ورود آن ممنوع بود گرفته تا شرکت های خودروسازی نظیر گروه بهمن (مزدا)، از پیمانکاری خطوط انتقال نفت و گاز گرفته تا انتقال ترانزیتی نفت قزاقستان از ایران، از قاچاق نفت عراق در زمان تحریم اقتصادی آن کشور توسط سازمان ملل گرفته تا اسکله های غیرقانونی و دهها کار خلاف دیگر. بسیاری از رقبای تجاری را هم به زور زندان و دستگیری از میدان به در کرده اند و روزبه روز هم بیشتر و حریص تر به سراغ تمامی ارکان اقتصادی کشور و طرح های اساسی آن می روند." (سازگارا-همان منبع)

طولی نکشید که سپاه یک معاونت بازسازی در نیروی هوایی، دریایی، زمینی و بسیج بنا کرد. در 1990 این معاونت ها به قرارگاه سازندگی خاتم الانبیا تبدیل شدند، که نام دیگر آن قرب است.

گفتیم که در دوران رفسنجانی، سپاه، بسیج و پرسنل وسیع از قدرت سیاسی به حاشیه رانده شدند. اما در ایران پیشرفت اقتصادی بدون داشتن دستی در قدرت سیاسی امکان پذیر نیست. از طرف دیگر محافظه کاران سنتی (رهبری، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، روحانیت مبارز تهران، شورای نگهبان، آستان قدس رضوی و غیره) که اکنون به قدرت های بزرگ اقتصادی تبدیل شده بودند، و بورژوازی تجاری سنتی (موتلفه) هم از پیشروی طبقه جدید که با سرعت عرصه های اقتصادی و سیاسی را یکی یکی تصرف می کرد، هراسان شده بودند. فریاد و اسلاما از هر طرف برخاسته بود.

بزرگ ترین اتهام کرباسچی، شهردار دوران سازندگی، تغییر بافت سنتی تهران عنوان شده بود. فرهنگسراهایی که در زمان کرباسچی در تهران تاسیس شد بیشتر حال و هوای کاخ جوانان زمان شاه را داشت تا مراکزی برای ترویج و گسترش فرهنگ اسلامی. در این فرهنگسراها، کلاس های موسیقی، نقاشی و انواع دیگر هنرها همراه با رشته های دیگر آموزشی و به صورت مختلط (دختر و پسر در یک کلاس) دایر گردیده بود. و این زمانی بود که خامنه ای آموزش موسیقی به کودکان را حرام اعلام کرده بود.

چنین بود که "اتحاد مقدسی" بین بخش عمده ای از روحانیت، هیات های متلفه و همسو و سپاه پاسداران در دوره خاتمی شکل گرفت. این اتحاد نامقدس در واقع در برابر جنبش رو به گسترش مردمی بود. آنان هر جا که لازم بود از اصلاح طلبان برای مهار جنبش توده ای استفاده کردند. نمونه های بارز آن مهار ماجرای قتل های زنجیره ای با استفاده از نفوذ خاتمی، مهار روزنامه ها با استفاده از نفوذ و قدرت کروی به عنوان رئیس مجلس، به انحراف کشاندن پرونده 18 تیر 78 و حمله وحشیانه به کوی دانشگاه و پایان آن با اعاده حیثیت از جنایت کاران و ...

در عین حال با استفاده از دو نهاد مهم باقی مانده در دست شان، یعنی شورای نگهبان برای کنترل مجلس اصلاح طلبان، مجلس خبرگان و انتخابات، و دستگاه قضایی به عنوان چماقی بالای سر قوه مجریه اصلاح طلب، و البته با پشتیبانی همه جانبه ولی فقیه، روحانیت سنتی و سپاه و بسیج، ابتدا اصلاح طلبان را کاملن اخته و سپس از قدرت به بیرون پرتاب کردند.

اصلاح طلبان در این دوره دچار یک اشتباه استراتژیک شدند. آنان به جای تجمع نیروهای شان در برابر این اتحاد نامقدس، رفسنجانی و جناح او، که با استفاده از حضور گسترده در دستگاه های حکومتی از رانت های بی حسابی برخوردار شده و ثروت فراوانی انباشته بودند، را هدف قرار دادند. شمس الواعظین و گنجی بعدها از این کار خود پشیمان شدند. اتحاد نامقدس با استفاده از این فرصت هر دو جناح را در انتخابات سال 1384 با فضاخت کنار گذاشت. در دوره احمدی نژاد، سپاه و رادیکال ها قدرت اجرایی را قبضه کردند و نام آن را انقلاب سوم نهادند.

محافظه کاران سنتی که در واقع در صدد بودند با به میدان آوردن سپاه، اطلاع طلبان را که با اقبال مردم روبه رو شده و با آرای بالایی به مجلس و قوه مجریه دست پیدا کرده بودند، عقب برانند غافل از آن بودند که این تازه به میدان آمده ها به سهمی که برایشان در نظر گرفته شده قانع نیستند. آنان به محض این که پایشان به میدان سیاست باز شد بلافاصله شروع کردند به طرح شعار جوان گرایی که معنای دیگری جز این نداشت که عصر آخوندهای پیر و پاتال دیگر به سرآمده است و باید جایشان را به جوان ها بدهند.

فعالیت های اقتصادی سپاه:

در ماه ژوئن سال 2003 به موجب فرمانی از طرف وزارت دفاع جمهوری اسلامی تمامی واحدهای سپاه پاسداران موظف به شرکت در تمام طرح های عمرانی کشور شدند.

البته این فرمان در واقع به چیزی رسمیت می داد که از سالها پیش آغاز شده بود.

مثلاً "شرکت ساختمانی قرب" پس از پایان جنگ ایران و عراق تاسیس شد وزیر نظر قرارگاه سازندگی خاتم الانبیا کار می کند. رئیس هیات مدیره آن سرلشکر محمدعلی جعفری فرمانده سپاه پاسداران است. دیگر اعضای هیات مدیره، فرماندهان نیروهای پنج گانه سپاه (زمینی، هوایی، دریایی، قدس و بسیج)، رئیس دانشگاه امام حسین (دانشگاه وابسته به سپاه)، فرمانده بنیاد همکاری سپاه و رئیس اداره خودکفایی سپاه هستند.

این شرکت تاکنون بیش از هزار پروژه بزرگ و کوچک را به انجام رسانده و به گفته خودشان حدود 250 پروژه در دست انجام دارد.

http://www.khatam.com/default_farsi.asp

قرب بازوی مهندسی اصلی سپاه است و یکی از اصلی ترین طرف های قرارداد در پروژه های صنعتی و توسعه در قرب 25000 نفر مهندس و کارمند مشغول به کار هستند که 10 درصد آنان به گفته معاون بازسازی سپاه، سردار عبدالرضا عابدزاده، پرسنل رسمی سپاه و بقیه قراردادی هستند. (روزنامه شرق، مصاحبه با معاون بازسازی سپاه، 13 آگوست 2006)

در وب سایت خاتم الانبیا آمده است که این قرارگاه بیش از 750 پروژه را اجرا کرده است که شامل سد سازی، سیستم های انحراف مسیر آب، سازه های سه بعدی، تاسیسات دریایی، سیستم های تامین آب، و خطوط اصلی لوله آب، گاز و

نفت می شوند. هم چنین تکمیل 150 پروژه که مستلزم مشاوره و نظارت عالی فنی بوده است. اکنون نیز 21 پروژه در حال اجرا دارد که بسیاری از آن ها برای مناطق روستایی هستند. حجم قراردادهای مجموعه خاتم حدود ۱۵ میلیارد دلار اعلام شده است.

وزارت خانه های نفت، حمل و نقل و انرژی و شهرداری تهران قراردادهای زیادی با خاتم الانبیا امضا کرده اند. این پروژه ها یا توسط شرکت های خود سپاه و یا شرکت های خصوصی طرف قرارداد سپاه انجام می شود. دو شرکت مهم زیرمجموعه خاتم الانبیا، سپاسد و حرا هستند.

از جمله فعالیت های سپاسد ساخت خط هفتم متروی تهران است. حرا هم به عملیات حفاری و کندن تونل در سراسر ایران اشتغال دارد.

از دیگر پروژه هایی که توسط زیرمجموعه های خاتم الانبیا اجرا شده اند می توان از خط آهن تهران-تبریز، سد کرخه، مجموعه ذخیره سازی و یک اسکله در میدان گازی پارس جنوبی، و خط لوله گاز به طول 900 کیلومتر از عسلویه تا ایرانشهر به ارزش 1.3 میلیارد دلار اشاره کرد.

زیرمجموعه های سپاه در عین حال در چندین پروژه برق رسانی و سد سازی در آذربایجان غربی، کردستان، کرمانشاه، ایلام، لرستان و خوزستان درگیر هستند. (وب سایت قرارگاه خاتم الانبیا)

قرارگاه خاتم به شدت در بخش گاز فعال است و گفته می شود که تنها طرف قرارداد صنعت گاز ایران می باشد. این هم یکی دیگر از مهم ترین دلایل اختلاف این ها با جناح رفسنجانی. فرزندان و نزدیکان رفسنجانی هم در گذشته ای نه چندان دور هم در زمینه قرارداد های مترو و هم گاز فعال بودند. از مدتها پیش سرو صدای رشوه دادن و رشوه گرفتن فرزندان رفسنجانی در این حوزه ها توسط روزنامه های وابسته به جناح سپاه و ولی فقیه پیراهن عثمان شده بود.

شاید یکی (و تنها یکی) از دلایل ایجاد تنش با اروپا را هم در این جا باید دید. جناح رفسنجانی بیشتر در پی بستن قرارداد با شرکت های خارجی است تا از این بابت درصدهای کلانی به جیب بزند. جناح سپاه بیشتر در پی ایجاد تنش در این روابط است تا پای خارجیان کمتر در این قراردادها باز شود چرا که می داند از نظر کیفی توانایی رقابت با آن ها را ندارد.

معاون بازسازی سپاه، سردار عبدالرضا عابدزاده، می گوید که شرکت خاتم از سال 1990 تاکنون 1220 پروژه را تکمیل کرده است و اکنون 247 پروژه دیگر صنعتی و معدنی را در دست دارد.

وزارت نفت ایران تعداد زیادی قرارداد بدون مناقصه به ارزش میلیاردها دلار با سپاه منعقد کرده است. مسولین دولتی امور مدعی اند که این قراردادها به سبب هزینه پایین تری که سپاه پیشنهاد کرده، گروه مهندسين ماهر آن، تجربه اش در پروژه های بزرگ، و دسترسی اش به امکانات ماشين الات سنگين و تجهيزات بزرگ با آن منعقد شده اند.

پروژه تکمیل فازهای 15 و 16 پارس جنوبی به ارزش 2.5 میلیارد دلار هم بدون مناقصه به سپاه واگذار شد.

عابدزاده در مصاحبه با شرق در 13 آگوست 2006 می گوید که منابع مالی سپاه برای اجرای این پروژه ها عمدتاً از محل ذخیره ارزی کشور تامین می گردد.

قاچاق یکی از اصلی ترین روش های تامین مالی سپاه است. گفته می شود که سپاه از طریق بندر شهید رجایی (بندر عباس سابق) در استان هرمزگان، بنزین ارزان دولتی را به خارج از کشور قاچاق می کند و 200 تا 300 درصد سود می برد.

در بین نمایندگان مجلس (در دوران اصلاحات) شنیده می شد که حجم فعالیت قاچاق سپاه در سال بالغ بر 12 میلیارد دلار است. و این که 68 درصد صادرات کشور از طریق بندر و اسکله های غیرمجاز تحت کنترل سپاه صورت می گیرد.

واردات پوشاک بین 70 تا 85 درصد مصرف داخلی است که بخش عمده آن به صورت قاچاق و از بندر شهید رجایی در جنوبی ترین نقطه کشور از چین وارد می شود. این هم یکی از نقاط اقتصادی پیوند سپاه و تجار بازار است. گزارش ایلنا از سیطره اجناس چینی بر بازار پوشاک ایران: "بنویسید بازار ایران، بخوانید بازار شانگهای"

در بخش هایی از مرز ایران و عراق که در دست سپاه قرار دارد، قاچاق مشروبات الکلی، سیگار و بشقاب های دریافت امواج ماهواره توسط عوامل سپاه کاری کاملن عادی است.

موسسه مهر اقتصاد ایرانیان که یکی از موسسات زنجیره ای سپاه است، با پرداخت تنها 45 میلیارد تومان در ابتدا و 132 میلیارد تومان طی اقساط 5 ساله کارخانه تراکتورسازی تبریز را از دولت نهم خریداری کرد.

شایق یکی از نمایندگان هوادار دولت نام این کار را حراج دارایی های دولت نامید.

همچنین قرارگاه خاتم به اتفاق شرکت توسعه سرمایه گذاری، سهام شرکت دولتی صدرا را که در حوزه نفت و سکوها ی نفتی فعالیت می کند، خریداری کرد.

یادداشت اقتصادی: خصوصی سازی یعنی پروار کردن سپاه

<http://faravarde.biz/pars/fight/sh8economyNote.html>

بنیاد تعاون سپاه

بنیاد تعاون سپاه مجموعه ای از موسسات مختلف اقتصادی و تجاری است که از آن جمله می توان به «شرکت مهندسی افق صابرین»، «موسسه مالی اعتباری انصار»، «موج نصر گستر» و ده ها موسسه و شرکت مشابه نام برد. این بنیاد نظامی همچنین «45 درصد سهام گروه بهمن»، «4 درصد سهام گروه سایپا»، و «25 درصد سهام پتروشیمی کرمانشاه» را در ماه های اخیر خریداری کرده است. همچنین بنیاد در بورس بسیار فعال است و سهام برخی شرکت های بورسی چون شرکت باما را در اختیار دارد.

بنیاد تعاون سپاه در سال 1367 تاسیس گردید و از مهمترین مدیران این بنیاد در دهه 70 می توان از اکبر غمخوار و محسن رفیق دوست نام برد که در سال 67 تا 74 رییس هیئت مدیره تعاون سپاه بود و اکبر غمخوار نیز در سال 1372 مدیر عامل این بنیاد بود.

<http://www.salaamnews.com/ShowNews.php?8328>

موسسه صندوق پس انداز و قرض الحسنه انصار المجاهدین (موسسه مالی اعتباری انصار) وابسته به بنیاد تعاون سپاه می باشد.

زیر مجموعه های این بنیاد :

موسسه الغدیر

شرکت ایران اطلس، جهاد خانه سازی رزمندگان، صنایع معدنی شهاب سنگ، شرکت کشت و صنعت فردوس از جمله دیگر شرکتهایی هستند که این بنیاد در آن ها سهام دار است.

گری دشرکت های وابسته به بنیاد تعاون سپاه که درصدی از سهام تا 100 درصد سهام متعلق به بنیاد تعاون سپاه می باشد.

شرکت مهندسی مشاور سازه های پیش ساخته سبک

فولاد زاگرس

شرکتهای جهاد خانه سازی در 20 استان کشور

صنایع پتروشیمی کرمانشاه

شرکت کشت و صنعت شاداب خراسان

شرکت بهرستان کیش

موسسه فرهنگی خدماتی ثامن الائمه

شرکت آلاله کبود کویر

صنایع معدنی شهاب سنگ

موسسه خدمات بازرگانی مشاوره ای راهیان کمیل

شرکت اندیشه و عمران محیط

شرکت مخابراتی و الکترونیکی موج نصر گستر
مهندسی افق توسعه صابرین
شرکت ذوب روی اصفهان
شرکت مجتمع خانه سازی سپاهان
مواد غذایی خمیر مایه چهارمحال و بختیاری
شرکت خدمات هوایی پارس
شرکت پشمبافی بهاریزد
صنایع غذایی مایده
شرکت بهاران
مهندسی افق توسعه صابرین
مجتمع خانهسازی رزمنده
نوید بهمن
مهندسی آماده بهینه ساز
شرکت بازرگانی و صنعتی ایران اطلس کیش
موسسه کوثران
سازمان نظام مهندسی ساختمان استان تهران

"شرکت صنایع الکترونیک ایران" که بزرگترین شرکت تولید و واردکننده تجهیزات الکترونیکی در ایران است در سال 1972 ایجاد شد. این شرکت یکی از بزرگترین شرکت های سپاه است که تعداد زیادی شرکت های دختر وابسته دارد که از آن جمله اند:

مجتمع صنایع الکترونیک
صنایع الکترونیکی شیراز
صنایع ارتباطات ایران
سیستم اطلاعاتی ایران
صنایع اجزای صنعتی الکترونیکی ایران
صنایع اپتیک اصفهان
موسسه تحقیقات الکترونیکی ایران
<http://ieimil.com/subsidiaries.html>

موسسه میثاق بصیرت: این موسسه هدایت راهبردی سیاستگذاری و برنامه ریزی جهت طرح ها و پروژه های خرد و کلان مربوط به شرکت های زیر مجموعه بنیاد سپاه و نظارت ستادی بر حسن اجرای طرحها و برنامه ها و ارائه مشاوره های فنی مدیریتی مالی و اداری به شرکتهای زیر مجموعه بنیاد تعاون سپاه را بر عهده دارد.
<http://www.foreigninvestment.blogfa.com/post-70.aspx>

خرید شرکت مخابرات ایران

در فهرست شرکت های پیشنهاددهنده برای خرید سهام شرکت مخابرات نام شرکت های به چشم می خورد که در فهرست شرکت های زیرمجموعه سپاه هستند و برخی منابع آگاه نیز از قطعی بودن واگذاری بخش زیادی از سهام مخابرات به این شرکت خبر می دهند.
بر این اساس و با نگاهی گذرا به شکل واگذاری های صورت گرفته طی سال های گذشته و در دولت نهم بیش از پیش احتمال واگذاری سهام مخابرات به شرکت های وابسته به دولت را قطعی نشان می دهد. گفته می شود کنسرسیومی متشکل از شستا، بنیاد تعاون سپاه و یک شخص حقیقی خواستار خرید بلوک 1+50 درصدی مخابرات هستند که البته شنیده ها حاکی از آن است که این شخص یک فرد چینی است که به وسیله یک فرد ایرانی قصد خرید این بلوک را دارد. در این فهرست البته نام شرکت های همچون شرکت سرمایه گذاری مهر اقتصاد ایرانیان که در حال حاضر فعال ترین شرکت در بازار بورس است را نیز می توان دید که این شرکت متعلق به موسسه مالی و اعتباری مهر است که به بسیج تعلق دارد.
شرکت شستا - شرکت سرمایه گذاری تامین اجتماعی - نیز که تا همین چند ماه پیش با تشکیل شرکت تامین تلکام توانسته بود، برنده اپراتور سوم تلفن همراه ایران شود، به ناگهان همه چیز را از دست داد.

با این وجود اما برخی منابع آگاه تنها يك نام را به عنوان خریدار نهایی سهام مخابرات می‌دانند و آن هم بنیاد تعاون سپاه است و حتی برخی منابع آگاه در گفت‌وگو با «تهران‌امروز» برگزار می‌مزایده در بورس را نیز به‌نوعی غیرواقعی می‌دانند و معتقدند که از هم‌اکنون سهامدار مخابرات کاملاً مشخص است و شرکتی جز تعاون سپاه نخواهد بود. شرکت مخابراتی و الکترونیکی موج‌نصرگستر تنها شرکتی است که مالکیت آن را این بنیاد در اختیار دارد و به مسائل مخابراتی مربوط است.

شرکت مخابرات ایران سال 1350 با سرمایه‌ای بالغ بر پنج میلیارد ریال تاسیس شد. هم‌اکنون این شرکت شامل شرکت مخابرات ایران، شرکت‌های مخابرات استانی و شرکت ارتباطات سیار است و تعداد نیروی انسانی شاغل در آن و شرکت‌های زیرمجموعه 47 هزار و 20 نفر اعلام شده است. از سوی دیگر میزان سرمایه این شرکت برای واگذاری در بورس در حال حاضر به بیش از سه‌ونیم میلیارد دلار رسیده است.

<http://www.ictna.ir/news/archives/022591.html>

موسسات مالی سپاه: موسسه مالی و اعتباری انصار

موسسه مالی و اعتباری انصار حدود بیست سال پیش و بعد از پایان جنگ هشت ساله با عراق به عنوان صندوق قرض الحسنه انصارالمجاهدین فعالیت خود را آغاز کرد و در دولت محمود احمدی نژاد به موسسه مالی تبدیل شد و اکنون با تصویب شورای پول و اعتبار در شرف تبدیل شدن به بانک است. سرمایه اولیه تاسیس بانک خصوصی ۲۰۰ میلیارد تومان است و به گفته محمود بهمنی رئیس کل بانک مرکزی ایران، بانک انصار باید ۳۵ درصد از آن را به حساب نهاد پولی (بانک مرکزی) واریز کند.

علاوه بر این، یک نهاد مالی دیگر وابسته به سپاه پاسداران نیز آماده تبدیل شدن به بانک است. موسسه مالی و اعتباری مهر وابسته به بسیج مقدمات تبدیل به بانک را فراهم کرده و به زودی این موسسه نیز تبدیل به بانک می‌شود. صندوق قرض الحسنه بسیجیان بعد از مشکلاتی که صندوق های قرض الحسنه در اوایل دهه هشتاد خورشیدی با آن مواجه شدند، نامش را به موسسه مالی و اعتباری مهر تغییر داد. این موسسه اکنون با ایجاد یک شرکت سرمایه گذاری به نام مهر اقتصاد ایرانیان حضور پررنگی در بازار بورس دارد و سهام برخی شرکت های بزرگ دولتی را که در قالب اصل ۴۴ عرضه شده خریده است.

نهادهای نظامی در سالهای اخیر، صندوق های قرض الحسنه خود را تبدیل به موسسات مالی و اعتباری کرده اند و فعالیت های خود را در بخش های پولی گسترش داده اند و اکنون سعی دارند تا این موسسات را به بانک تبدیل کنند.

صندوق قرض الحسنه قوامین وابسته به نیروی انتظامی نیز وضعیتی مشابه دارد. همه این نهادهای مالی روزی صندوق قرض الحسنه بودند اما تغییر ماهیت دادند.

بنیادها:

گفته می‌شود که حدود 33 تا 40 درصد کل تولید ناخالص داخلی ایران در دست بنیادهاست. این بنیادها در مجموع 5 میلیون نفر را در استخدام خود دارند. آن‌ها خارج از چارچوب دولت قرار دارند و بنابراین دست‌شان برای هرگونه فعالیتی باز است. بنیادهای اصلی در ایران عبارتند از:

بنیاد آستان قدس رضوی

بنیاد مستضعفان و جانبازان

بنیاد شهید

بنیاد نور

بنیاد 15 خرداد

بنیاد ایثارگران

بنیاد آستان قدس رضوی

90 درصد زمین های قابل کشت استان به این بنیاد تعلق دارد. این بنیاد بزرگترین کارفرما در استان خراسان است و 56 شرکت را اداره می‌کند، از جمله شرکت کوکاکولا. همین‌طور 2 دانشگاه. فعالیت های این بنیاد بسیار گسترده و متنوع

است و حتی در زمینه ساخت اتومبیل نیز فعال است. متولی این بنیاد آیت الله عباس واعظ طبسی است که در عین حال عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز می باشد. یکی از پسران او داماد خامنه ای است.

این بنیاد زمین های شهری متعدد در سرتا سر ایران، هتل، کارخانه، مزارع و معادن سنگ مختلف را در اختیار دارد. میزان دارائی آن تاکنون اعلام نشده است ولی کارشناسان اقتصادی مقدار پانزده بیلیون دلار را تخمین میزنند

این سازمان مقادیر زیادی هدایی جات از زائران مشهد چپاول می کند. اخیرا بانکهای سرمایه گذاری با همکاری سرمایه گذارانی از دبی و عربستان سعودی تاسیس کرده است و در تجارت های بزرگ خارجی نیز فعال بوده است.

عنصر محرک این بنیاد پسر آیت الله طبسی، ناصر است. او مسئول ناحیه آزاد تجاری سرخس بود. قرار بود در این ناحیه فرودگاه و راه آهن (بین ایران و ترکمنستان)، هتل، شاهراههای متعدد و ساختمانهای اداری تاسیس شود. اما در سال دو هزار و یک ناصر طبسی از کار برکنار و دو ماه بعد به جرم اختلاص از شرکتی در دبی به نام المکاسب دستگیر شد اما چهار ماه قبل از تاریخ انتشار این گزارش از اتهامات وارده تبرئه شد. مجموعه آستان قدس از شهر واتیکان بزرگ تر است. تعداد زائران آستان قدس در سال از تعداد کسانی که به مکه می روند بیشتر است.

گفته می شود که در سال بیش از 12 میلیون نفر از ایران و دیگر نقاط جهان به زیارت مشهد می روند. گفته می شود که آستان قدس بزرگترین و ثروتمندترین امپراطوری اقتصادی در جمهوری اسلامی است.

رکت های تحت اداره بنیاد رضوی همه چیز می سازند؛ از اتوبوس شهری گرفته تا دستگاه های پیتزا و هورمون های رشد برای افزایش تولید خاویار. کارخانجات نساجی، مزارع و مراکز پرورش دام، باغستان، نانوایی، شرکت مهندسی و ... این بنیاد لوله کشی آب در لبنان، ساخت یک پل بین عراق و سوریه را برعهده داشت و در تلاش بود تا قراردادهایی برای ساخت جاده در الجزایر به دست آورد.

بر اساس نوشته روزنامه سرمایه، بنیاد رضوی بزرگترین بنیاد ایران است و 7.1 درصد تولید ناخالص داخلی ایران را در اختیار دارد.

بزرگترین هتل های مشهد و بسیاری از کارخانجات آن در زمین های بنیاد قرار دارند و به آن اجاره می دهند. بنیاد یک منطقه آزاد تجاری در طول مرز ترکمنستان ایجاد کرده و خود یک فرودگاه در آن ساخته است.

جنگ 8 ساله ایران و عراق یکی از مهم ترین عوامل رشد بنیاد رضوی بود. شرکت های بنیاد رضوی در بازسازی خرابی های جنگ و تامین غذای رزمندگان فعال بودند.

این بنیاد یکی از رقبای جدی سپاه در کسب قراردادهای ساخت و ساز دولتی است.

بنیاد مستضعفان:

پس از سقوط شاه، دارایی های بنیاد پهلوی تحت اداره بنیاد مستضعفان (ب.م.) قرار گرفت. ب.م. از نظر بزرگی دست کمی از بنیاد رضوی ندارد و کاملن در اقتصاد ایران ادغام شده است. ب.م. یک سازمان غیردولتی است که تحت نظر مستقیم رهبری قرار دارد و اوست که رئیس بنیاد را منصوب می کند. رئیس کنونی بنیاد محمد فروزنده است که سابقن سردار سپاه و وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح بود.

بر اساس ادعای رئیس سابق ب.م.، محسن رفیق دوست، بنیاد 50 درصد از سود خود را به کمک به فقرا و نیازمندان به شکل وام های کم بهره یا مستمری های ماهانه اختصاص می دهد، و 50 درصد دیگر را در زیر مجموعه هایش سرمایه گذاری می کند.

بنیاد حدود 350 زیرمجموعه دارد که در بخش های مختلف اقتصادی از جمله کشاورزی، صنعت، حمل و نقل و توریسم فعالیت می کنند.

یکی از بزرگترین زیرمجموعه های بنیاد، سازمان صنایع غذایی و کشاورزی است که خود شامل 115 کمپانی می باشد. بعضی از قراردادهای بنیاد شامل پروژه های مهندسی بزرگ از قبیل ساخت ترمینال یک فرودگاه بین المللی امام خمینی است. ب.م. در حال حاضر قراردادهایی برای همکاری با یک سری کشورهای دنیا در خاورمیانه، اروپا، آفریقا، آسیای جنوبی و به خصوص روسیه و دیگر جمهوری های شوروی سابق دارد. ب.م. در دهه 90 هم قراردادهایی برای ساخت یک سیستم راه آهن، راه آهن شهری و تاسیس یک کشتارگاه با لیبی منعقد کرد.

علاوه بر این هابانک سینا که پیش از این به عنوان موسسه مالی و اعتباری بنیاد فعالیت می کرد، نیز یکی از موسسات بانکی است که تحت پوشش بنیاد مستضعفان فعالیت می کند.

این بانک که از سال ۱۳۶۴ به عنوان موسسه مالی و اعتبار فعالیت داشته، شعبات گسترده ای در سطح کشور دارد و به دلیل فعالیت های اقتصادی بنیاد مستضعفان از قدرت مالی بالایی نیز برخوردار است. بیش از 400000 نفر در استخدام بنیاد هستند و دارایی های آن بالغ بر 12 میلیارد دلار تخمین زده می شود. هتل آزادی و هتل استقلال، کارخانه زمزم (پیبسی کولای سابق)، یک شرکت کشتیرانی بین المللی، شرکت های تولید محصولات نفتی و سیمان، مزارع و املاک وسیع، شرکت های مسکن و توسعه شهری، توریسم و ایرانگردی، صنعت و معدن و حمل و نقل از دارایی های بنیاد هستند. بودجه سالانه بنیاد بیش از 10 درصد بودجه سالانه کشور است.

بنیاد شهید:

بنیاد شهید (ب.ش.) هم مانند ب.م. پیوند بسیار محکمی با سپاه دارد. فرمانده سابق نیروی هوایی سپاه، حسین دهقان، رئیس کنونی بنیاد است. ب.ش. به هزاران بسیجی و خانواده شهید وام مسکن داده است. بر اساس گزارش وب سایت صبح صادق وابسته به سپاه، ب.ش. در سال 2006 مبلغ 120 میلیون ریال به خانواده های شهری و 150 میلیون ریال به خانوارهای روستایی تحت پوشش وام داد.

ب.ش. در پروژه های مشترکی با سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران و یکی از زیرمجموعه های وزارت دفاع یعنی شرکت توسعه الکترونیک ایران همکاری دارد.

بنیاد نور

رئیس فعلی بنیاد نور رفیق دوست است. این بنیاد مالک بلوک های آپارتمانی بزرگ است. در عین حال این بنیاد در کار واردات مواد دارویی، شکر و مصالح ساختمانی فعال است. حجم واردات آن در سال در حدود 200 میلیون دلار برآورد می شود.

بنیاد 15 خرداد

از فعالیت های این بنیاد اطلاع چندانی در دست نیست. این بنیاد در سال 1989 مبلغ یک میلیون دلار برای کشتن سلمان رشدی جایزه تعیین کرد.

بنیاد ایثارگران

توسط افسران سابق سپاه اداره می شود و برای کمک به بازماندگان سپاهیان کشته شده در جنگ تشکیل شده بود.

در مجموع می توان گفت که تمام این بنیادها به جز بنیاد رضوی در ارتباط تنگاتنگ با سپاه و تحت نفوذ آن قرار دارند.

امتیازات سپاه

سپاه پاسداران به دلیل:

- 1- دسترسی به سرمایه های کلان و ارزش موجود در بانک های دولتی و بنیادهایی از قبیل بنیاد کوثر
- 2- معافیت از حسابرسی دولتی و معافیت از پرداخت هرگونه مالیات
- 3- معافیت گمرکی

قادر است به سادگی بخش خصوصی خارج از دولت را از میدان رقابت به در کند. با این وجود برای از میدان بدر بردن بخش نیمه خصوصی-نیمه دولتی، بخشی که من آن را بورژوازی بوروکرات نامیدم، دارا بودن تنها سه امتیاز بالا کافی نیست. بورژوازی بوروکرات هم با داشتن پیوندهای قوی در سطوح بالای سیستم در بسیاری از موارد از این امتیازات بهره مند می گردد. از همین رو و برای شکست دادن این جناح، سپاه ناچار است که مناقصه های عظیم دولتی را انحصاری کند. یعنی تنها طرف شرکت کننده در مناقصه شرکت های وابسته به سپاه باشند. بدین ترتیب به رقیب حتی فرصت مطرح شدن هم داده نمی شود. کاری که در دوره احمدی نژاد به کرات انجام شد و سر و صدای بسیاری را درآورد. یک دلیل مطرح شدن فساد مالی جناح رفسنجانی در واقع توجیه کنارگذاشتن آن ها از این مناقصات بود.

احمدی نژاد در سمت شهردار تهران قراردادهای بیشماری را به مجتمع قرب و آگذار کرده بود، به طوری که روزنامه اعتماد ملی ارگان حزب اعتماد ملی کربوبی مجتمع قرب را برنده واقعی انتخابات دوره نهم ریاست جمهوری معرفی کرد. برای نمونه قرارداد توسعه متروی تهران به صورت مشترک از سوی وزارت نفت، شرکت ملی ساختمان و شرکت قرب با متروی تهران به امضا رسید که ارزش آن بالغ بر 2 میلیارد و 400 میلیون دلار بود. ("قدرت اقتصادی سپاه پاسداران" به قلم ناصر اعتمادی، 19 نوامبر 2008)

مورد دیگر قرارداد یک میلیارد و 300 میلیون دلاری ساخت لوله گازی به نام خط لوله صلح میان ایران و پاکستان و هندوستان است که بدون مناقصه به سپاه و آگذار شده است. هم چنین شرکت ملی نفت ایران قرارداد توسعه مرحله های پانزده و شانزده میدان نفتی پارس جنوبی را که از بزرگترین میدان های نفتی جهان به شمار می رود و پرارزش ترین طرح تولید گاز ایران است بدون مناقصه به مجتمع قرب و آگذار کرده است. (روزنامه رسالت، 25 ژوئن 2006)

علاوه بر تمام موارد فوق، مهم ترین فعالیت اقتصادی سپاه واردات و صادرات است. سپاه بزرگترین تاجر در تمام طول تاریخ این مملکت بوده است. برای به دست آوردن تصویری از فعالیت های تجاری سپاه من تنها به موارد زیر اشاره می کنم. البته باید در نظر داشت که به واسطه ماهیت نظامی و امنیتی فعالیت های سپاه، بسیاری از این فعالیت ها در پنهان کاری کامل انجام می گیرد.

اسکله های سپاه

1- روزنامه قدس در بهار 84 نوشت که سپاه پاسداران در حال ساخت یک رشته تاسیسات در سواحل خلیج فارس است که ایرانیان بعضاً آن ها را "اسکله های نامرئی" می نامند.

یکی از قراردادهای مهم دولت احمدی نژاد با قرارگاه خاتم الانبیا توسعه بندر شهید بهشتی در چابهار به ارزش 341 میلیون دلار بوده است.

کربوبی در مجلس ششم اعلام کرد که سپاه پاسداران 60 اسکله غیرمجاز در جنوب دارد. علی قنبری نماینده مجلس ششم هم گفت که یک سوم صادرات کشور از طریق بازارهای غیرقانونی، اقتصاد زیرزمینی و اسکله های غیرمجاز صورت می گیرد.

از اسکله های کوچک برای قاچاق سطح پایین چون مشروبات الکلی و وسایل الکترونیکی استفاده می شود. اما از اسکله های بزرگ و پیچیده ای چون بندر شهید رجایی در استان هرمزگان برای قاچاق پرسیود نفت و بنزین استفاده می شود. سپاه با خارج کردن بنزین ارزان از ایران و فروش آن در بازارهای خارجی به راحتی 200 تا 300 درصد سود می برد.

لقمانیان نماینده مجلس ششم گفت: اسکله های نامرئی و دست های نامرئی مافیایی بیش از 68 درصد تمامی صادرات ایران را در دست دارند. (لقمانیان، روزنامه ملت(تهران)، 8 فوریه 2004)

محمدعلی مشفق مشاور کربوبی برآن است که شصت درصد از محصولات وارداتی کشور از این اسکله های نامرئی وارد می شوند. (روزنامه اعتماد ملی)

www.etemademelli.ir/news/detail.php?ID=1199

بیخود نبود که سپاه امنیت خلیج فارس و دریای عمان را به طور کامل عهده دار شد و عذر ارتش را از آن جا خواست. در واقع هیاهوی سیاسی تامین امنیت تنها محملی بود برای در اختیار گرفتن بیش از 2000 کیلومتر مرزهای آبی و "تجارت آزاد" بدون مزاحمت.

فرودگاه ها

به غیر از فرودگاه پیام که کلا در اختیار سپاه است، در فرودگاه مهرآباد بیش از بیست و پنج راهرو ورودی و خروجی خارج از کنترل اداره گمرک هستند. (اعتماد ملی-همان منبع بالا)

ناصر اعتمادی در همان مقاله بالا می نویسد که: http://www.rfi.fr/actufa/articles/107/article_4366.asp روزنامه های "ایران" و "شرق" در پائیز و زمستان ۸۳ طی گزارش هایی فاش کردند که دو هزار تن فرآورده های تجاری، از داروهای تقویتی چون ویاگرا تا وسایل الکترونیکی کامپیوتری توسط شرکت هواپیمایی پیام که متعلق به وزارت راه و ترابری است، به ایران وارد شده است. همین منابع گفته بودند که روزانه چهار پرواز قاچاق در فرودگاه پیام انجام می شود که در روزهای تعطیل حتی دوبرابر می شود.

علی یونسی، وزیر اطلاعات دولت سید محمد خاتمی در اسفند ماه ۸۳ ضمن اعتراف به کشف میلیاردها تومان کالای قاچاق در فرودگاه پیام گفته بود: "بسیاری از کالاها در این فرودگاه بدون حضور مأموران گمرکی ترخیص می شوند."

در پائیز ۸۳ سپاه پاسداران نه فقط با اقدامی ضربتی و به بهانه های امنیتی فرودگاه تازه تأسیس امام خمینی را در حومه تهران به روی کلیه پروازها بست، بلکه کنترل این فرودگاه را تا امروز کاملاً در دست گرفته است.

روزنامه ایران در سپتامبر سال گذشته گزارش داد که در همان هیجده ماه اول پس از اشغال فرودگاه "میلیاردها دلار وسایل لوکس، تلفن همراه و لوازم آرایش از فرودگاه امام خمینی به طور قاچاق وارد کشور شد."

بدین ترتیب می بینیم که فعالیت های تجاری سپاه با چه گستردگی جریان دارد. این فعالیت گسترده به چنان قدرتی از نظر اقتصادی و سیاسی بدل شده است که ظاهراً هیچ نیرویی را یارای مقاومت در برابر آن نیست. برای نمونه همین چندی پیش وقتی سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور از شیوه ی برگزاری مناقصه ها و همین طور از پایین بودن کیفیت کار سپاه شکایت کرد، به دستور رئیس جمهور منحل و به اداره ای وابسته به ریاست جمهوری تبدیل شد و استقلال خود را از دست داد، و تمام قیل و قال کارگزاران و اصلاح طلبان هم به هیچ نتیجه ای نرسید.

امکانات سپاه در عین حال فرصت خوبی برای روحانیون و تجار سنتی برای فرار از کنترل دولتی پدید آورده است. یک معامله پایاپای. سپاه به این جماعت اجازه می دهد از امکاناتش برای صادرات و واردات بدون مزاحمت دولت استفاده کنند و در عوض آنان از سپاه حمایت معنوی می کنند. نمونه های بارز این پیوند مقدس را می توان در تجارت چای و شکر دید.

انحصار واردات چای ایران در دستان عسکراولادی است و این که چگونه این جانی خون آشام موفق شد با وجود مخالفت و تلاش دولت خاتمی، کارخانه های چای را به ورشکستگی بکشاند و تعداد زیادی کارگر و کشاورز را به خاک سپاه بنشانند خود داستان مفصلی است. این کار بدون استفاده از بنادر و فرودگاه های سپاه میسر نمی بود.

مورد دیگر انحصار شکر است که ظاهراً در دست دو روحانی بلندپایه قرار دارد. آیت اله مکارم شیرازی و آیت اله مصباح یزدی. براساس گزارش رادیو فردا مصرف سالانه شکر در ایران معادل 1400 هزار تن است. تولید داخلی 1070 هزار تن. قاعدتاً باید 330 هزار تن برای مصرف داخلی وارد شود. اما 530 هزار تن وارد می شود. تازه توانایی تولید در ایران بیش از این هاست. اما به خاطر واردات بی رویه شکر، کارخانجات با 70 درصد ظرفیت تولید می کنند.

این دو آیت اله به دولت فشار آورده اند که توزیع پاران شکر را متوقف کند. در نتیجه کارخانجات داخلی نمی توانند با شکر ارزان خارجی رقابت کنند.

http://www.radiofarda.com/iran_article/2006/05/1ef28682-e9dc-4bb8-bf48-1d30b8dcfb48.html

صادرکنندگان شکر به ایران امارات متحده، برزیل، انگلستان، سوئیس، آفریقای جنوبی و استرالیا هستند.

فکر می کنید اگر مکارم شیرازی از چین هم شکر ارزان وارد می کرد، حاضر می شد کشتار مسلمانان چین توسط دولت آن کشور را محکوم کند؟

و باز هم فکر می کنید چرا حتی دولت های به اصطلاح اصلاح طلب نتوانستند جلوی ورود شکر و چای قاچاق را بگیرند؟ آیا جز این است که برای وارد کردن بخش عمده ای از این کالاها و بسیاری از کالاهای دیگر از امکانات سپاه

پاسداران استفاده می شود. بنابراین پیوند بخش بزرگی از روحانیون و موئلفه با سپاه پاسداران تنها برای حفظ کیان اسلام نیست.

البته پیوند سپاه با روحانیت تنها به این محدود نمی شود. یکی دیگر از نقاط مهم این ازدواج مقدس، بنیادهای مالی عظیم مانند بنیاد کوثر است که در اختیار امامی کاشانی است و یکی از منابع تامین کننده اعتبار برای پروژه ها و فعالیت های سپاه است. از حجم فعالیت این موسسه همین بس که سود سالانه اش در سال 2002 بالغ بر 31 میلیارد تومان بود.

<http://www.peiknet.com/page0/paiez/mehr/p75kashani.htm>

و اما مطلب آخر و بررسی موضوع از منظری دیگر که شاید اهمیتی کمتر در نشان دادن تشدید درگیری های درون حکومتی نداشته باشد:

روزنامه سرمایه در شماره 975 خود به تاریخ چهارشنبه 28 اسفند 87 می نویسد:

"دولت طی چهارسال 84 تا 87 در بخش مصارف ارزی با مصرف بیش از 203 میلیارد دلار نزدیک به 142 درصد بیش از ارقام برنامه درآمد نفتی مصرف کرده است."

در واقع به زبان ساده دولت طی 4 سال چیزی حدود 120 میلیارد دلار اضافه بر مبلغ پیش بینی شده در برنامه چهارم توسعه هزینه کرده است. از این رقم حدود 81 میلیارد دلار آن از حساب ذخیره ارزی برداشت شده است. یعنی 4 برابر رقم پیش بینی شده در برنامه چهارم برای برداشت از حساب ارزی. دولت با این همه پول چه کرده است؟ نکته مهم این است که این دلارهای نفتی صرف سرمایه گذاری نشده اند. واردات کالاهای سرمایه ای در همین دوره 50 درصد کاهش نشان می دهد. بورژوازی صنعتی (چه بوروکرات و چه خصوصی) نه تنها چیزی از این دلارها گیرش نیامده، بلکه با توجه به این که طی همین دوره شاخص بهای تولید کننده دو برابر شده است (یعنی هزینه تولید 2 برابر شده) قدرت رقابت خود را با واردات بیش از پیش از دست داده است. در عوض واردات کالاهای مصرفی 36 درصد اضافه شده است.

آهنگ رشد سرمایه گذاری صنعتی در حوزه تاسیس و بهره برداری از بنگاه های صنعتی نیز حدود 67 درصد کاهش را نشان می دهد. در واقع ما با یورش همه جانبه سرمایه تجاری برای بلعیدن و خفه کردن دیگر بخش های بورژوازی در حوزه اقتصاد مواجهیم. تبلور منطقی آن یورش مشابه در حوزه سیاست برای بیرون راندن و منزوی کردن و غیرخودی کردن این بخش هاست.

سپاه علیرغم تسلط اش در بسیاری از زمینه ها، به هیچ وجه نیروی انحصاری در زمینه امنیت داخلی و نظامی نیست. از همین روست که در بسیاری از مواقع بر سر حضور، قدرت، منابع و منافع با دیگر نهادها، ارگان ها و باندهای قدرت رقابت می کند. این منازعات قدرت گاهی به نظر می رسد که بر خلاف منافع عمومی سیاسی حکومت است. در بسیاری از موارد این نهادها و ارگان های امنیتی دیگر تحت اداره افسران سابق سپاه قرار دارند. مثلن سردار قالیباف، از سرداران سابق سپاه، زمانی که در نیمه دوم دوران خاتمی فرمانده نیروی انتظامی تهران بزرگ بود، در حمایت از رفرمیست ها فعالیت انصار حزب الله را محدود کرد.

سپاه از نظر امنیتی:

سپاه در زمان خاتمی دوباره و در پیوند با ولایت فقیه دست به ایجاد یک نهاد اطلاعاتی جدای از وزارت اطلاعات زد. به نظر می رسد که در دوران خاتمی، سپاه با استفاده از اشتباه استراتژیک اصلاح طلبان در زدن رفسنجانی، که باعث به انزوا رفتن او برای مدتی شد، و در نزدیکی با ولی فقیه و روحانیون سنتی و محافظه کار و بازار، یک استراتژی درازمدت را تدوین کرد. این استراتژی به خصوص در پایه های اقتصادی به صورت برقراری پیوندهایی در زمینه های اقتصادی، مشخصن انرژی هسته ای، نفت، پتروشیمی، واردات و صادرات و... در بنادر پنهانی و در قالب شرکت ها و بنیادها صورت گرفت.

بدین ترتیب منافع این جناح‌ها (سپاه، ولی فقیه و بیت رهبری، روحانیون سنتی و به شدت محافظه کار از قماش مصباح یزدی، آیت الله یزدی، آیت الله مهدوی کنی و به طور کلی روحانیت مبارز تهران، آیت الله جنتی و دیگر آخوندهای شورای نگهبان، آیت الله العظمای صافی گلپایگانی و تا حدودی آیت الله مکارم شیرازی، بازار به رهبری هیات‌های متولفه که اتاق‌های بازرگانی را در دست داشتند) به تدریج با یک دیگر گره خورد و در برابر اصلاح‌طلبان منافع مشترک یافتند. رفسنجانی هم که در برابر اصلاح‌طلبان در هیات عالی جناب خاکستری ظاهر شده بود، به این‌ها نزدیک شد. سکوت رفسنجانی در مورد محاکمه و زندانی شدن کرباسچی به عنوان یکی از اصلی‌ترین مهره‌های او و سکوت در برابر قتل سعیدی سیرجانی نمونه‌هایی از این انتقام‌کشی رفسنجانی از اصلاح‌طلبان و نزدیکی او به سپاه و رهبری بود. کاری که رفسنجانی هر موقع دیگری هم که شرایط ایجاب کند از دست زدن به آن ابایی ندارد.

تناقضات درونی سپاه:

نوسان بین دگماتیسم و پراگماتیسم، یا به بیان دیگر تناقض بین سنت و مدرنیسم: سپاه باید بر سنت پای فشارد. اولن به سبب این که ضرورت وجودی سپاه دفاع از انقلاب اسلامی بوده و در صورت کم رنگ شدن اسلام در تشکیلات سپاه، هویت وجودی خود را از دست می‌دهد.

ثانین برای حفظ بدنه خود و به خصوص تحتانی‌ترین رده‌ها و وادار کردن آنان به اطاعت کورکورانه و توجیه جنایت‌ها، شکنجه‌ها، بی‌قانونی‌ها در دستگیری‌ها و رفتار با انسان‌ها و ... هیچ چیز بهتر از اطاعت مذهبی نیست. هنگامی که درآمد مالی افراد آنقدر بالا نیست که بتواند آنان را به مزدورانی بی‌رحم تبدیل کند، توجیه مذهبی برای آرامش وجدان‌ها از راه می‌رسد. وحشی‌گری در برخورد با افراد بازداشت‌شده، تجاوز و جنایت علنی بدون این توجیهات مذهبی عملی نیست.

ثالثن سپاه برای توجیه فعالیت‌های خود در سطح منطقه و به اصطلاح در دنیای اسلام باید خود را پای بند و مدافع مذهب معرفی کند تا بتواند توده‌های تحت سلطه امپریالیسم و ارتجاع منطقه را جذب کند. این کار توسط یکی از سازمان‌های وابسته به سپاه تحت عنوان "سازمان تامین امنیت بدون مرز" و تحت هدایت شخصی با نام مستعار "دکتر حسن عباسی" صورت می‌گیرد.

از طرف دیگر سپاه ناچار است برای حفظ موقعیت سیاسی، اقتصادی و نظامی خود و حفظ آمادگی در برابر تهدیدات مختلف داخلی و خارجی، دامن خود را مدرنیزه کند. بزرگترین شرکت‌هایی که در زمینه فن‌آوری‌های نظامی، تاسیساتی و الکترونیکی در حال فعالیت اند، شرکت‌هایی هستند که با مستقیم توسط سپاه پاسداران تاسیس شده و تحت نظر سپاه کار می‌کنند و یا شدیداً به سپاه وابسته اند. من در بخشی از همین نوشته لیستی از اصلی‌ترین این شرکت‌ها ارائه دادم. مثلاً در زمینه الکترونیک، کامپیوتر و ارتباطات، سپاه اصلی‌ترین طرف درگیر است. تناقض از این جا برمی‌خیزد که شما می‌توانید پیشرفته‌ترین کامپیوتر خانگی موجود را در ایران به قیمتی نه چندان زیاد در مقایسه با دیگر نقاط جهان تهیه کنید، اما دسترسی شما به اینترنت به شدت محدود است. ایران یکی از پایین‌ترین سرعت‌های اینترنت را داراست. هر چند که می‌توان در ایران از سرویس‌هایی با سرعت‌های بالای اینترنت هم برخوردار شد، اما دسترسی به اینترنت به شدت محدود است. هم باید اینترنت داشت و از قبل آن سود برد و هم باید به شدت جلوی آن را گرفت چون "بدآموزی" دارد. در مورد دیش‌های ماهواره هم همین طور. در عین حال که سپاه عمده‌ترین واردکننده قلاباق دیش‌ها و دریافت‌کننده‌های ماهواره‌ای در بنادر، فرودگاه‌ها و مرزهای تحت نظارتش است، در داخل شهرها و روستاها ناچار از مبارزه با آن‌هاست. منافع اقتصادی و سیاسی سپاه به دو سوی متفاوت می‌روند.

البرز دماوندی
سپتامبر 2009